

نامه به مدیر مسئول روزنامه اخبار در مورد مطالب آقای بادامچیان

سر دبیر و مدیر مسئول روزنامه اخبار

با سلام و آرزوی توفیق در جلب رضای حق و خدمت به خلق، در شماره ۹۹ مورخ ۷۴/۰۸/۱۰ روزنامه اخبار مطالبی از قول آقای بادامچیان، دبیر هیأت اجرایی جمعیت مؤتلفه، درباره نهضت آزادی ایران و دبیرکل آن آقای دکتر یزدی، گفته شده است که نادرست و مشحون از غرض‌ورزی گروهی است. بر طبق قانون مطبوعات درخواست می‌شود که جوابیه زیر عیناً درج گردد:

۱- آقای بادامچیان گفته‌اند: «خبرنگار آمریکایی در مصاحبه‌ای از من پرسید که شما می‌گویید در کشور شما آزادی هست، اگر کسی ولایت‌فقیه را قبول ندارد می‌تواند حرف بزند؟ گفتم: بله. گفت: نمونه هم دارید؟ گفتم: همین مدیر جدید نهضت آزادی صراحتاً می‌گوید من ولایت‌فقیه را قبول ندارم، بعد با شما مصاحبه هم می‌کند.»

آقای بادامچیان در این گفتار خود معیار وجود آزادی‌های سیاسی در ایران را مصاحبه‌های دبیرکل نهضت آزادی با خبرنگاران خارجی ذکر کرده‌اند، غافل از اینکه همین خبرنگاران بررسی کرده، و می‌دانند و نوشته‌اند که هیچ یک از روزنامه‌های داخل ایران، اعم از دولتی، نیمه‌دولتی و مستقل اجازه ندارند که درباره مواضع نهضت آزادی ایران چیزی بنویسند، مگر آنکه بخواهند دشنام دهند و تهمت‌های ناروا بزنند. بیانیه‌ها و تحلیل‌های سیاسی و اقتصادی نهضت آزادی ایران، که به دلیل محدودیت‌ها و فشارها در تعداد بسیار کمی تکثیر و توزیع می‌شود، در روزنامه‌های داخل ایران انعکاس نمی‌یابد. در اکثر موارد، حتی جواب‌های نهضت آزادی به حملات و تهمت‌ها در روزنامه‌ها چاپ نمی‌شود. آقای بادامچیان تصور کرده‌اند که با این ترفندها جواب روزنامه‌نگار خارجی را داده و به دنیا ثابت کرده‌اند که در ایران آزادی‌های سیاسی وجود دارد، و احزاب و گروه‌های مخالف حاکمیت، از جمله نهضت آزادی، از آزادی فعالیت برخوردارند و بسیاری از فعالیت‌ها با اجازه ایشان صورت می‌گیرد و یا ممانعت می‌شود. اگر واقعاً چنین است، برای مردم توضیح دهند که چرا روزنامه‌های مستقل حق درج بیانیه‌های نهضت آزادی را ندارند، و چرا چاپخانه‌ها مجاز به چاپ کردن بیانیه‌های نهضت آزادی ایران نیستند. لابد خواهند گفت: «زیرا ما به آنها پروانه نمی‌دهیم و مجاز نیستند.» در آن صورت، جوابی که به خبرنگار خارجی داده‌اند نادرست است.

۲- آقای بادامچیان گفته‌اند: «ما تحمل زیادی داریم. نماینده نهضت آزادی که کمیسیون احزاب آمده بود، صدایش را ضبط کردند و نمی‌توانند تکذیب کنند. من به ایشان گفتم: اگر شما بخواهید اصرار کنید که برگردید مجوز یا پروانه یا هر چه می‌خواهید بگیرید، ما طبق قانون، بر اساس آنچه شما انجام داده‌اید مجبوریم رد کنیم. من به عنوان آدمی که خط من با خط شما نمی‌خورد می‌گویم نمی‌شود.» خط‌کشی زیر مطالب از ماست.

بدون هیچ تردیدی، خط آقای بادامچیان با خط نهضت آزادی نمی‌خورد و در این مورد هیچ ابهامی وجود ندارد. خط سیاسی ایشان و گروهشان عدم تحمل هر نوع عقیده سیاسی دیگر است. این گروه، بنا را بر حذف همه نیروهای خارج از گروه خودشان گذاشته‌اند. آنان حتی جناح‌های دگراندیش درون حاکمیت را

هم تحمل نکرده و آنها را حذف نموده‌اند. ثانیاً خط اقتصادی ایشان و گروهشان نیز با باورها و مواضع اقتصادی نهضت آزادی ایران نمی‌خورد. این گروه نماینده جناح قدرتمند و افراطی‌ترین بخش سرمایه‌داری تجاری است. سرمایه‌داری تجاری در کشورهای جهان سوم، و از جمله کشور ما، از زیانبارترین انواع سرمایه‌داری است. در کشورهایی که سطح تولید ملی بالاست، ارتباط میان تولیدکننده و مصرف‌کننده از جمله خدماتی است که می‌تواند توسط هر یک از بخش‌های دولتی، تعاونی و یا خصوصی، عرضه شود. در هر حال چنین خدماتی ضروری است و سهم هزینه آن نیز باید در ارزش تمام‌شده کالا، که مصرف‌کننده می‌پردازد، منظور گردد. این نقشی است که «بازار» در اقتصاد سنتی ایران ایفا می‌کرده است. در گذشته، بازار همیشه در کنار مردم و مبارزات مردمی علیه استبداد و استیلای خارجی قرار داشته و از احترام مردم برخوردار بوده است، اما در شرایط اقتصادی حاکم در کشوری مثل ایران که از یک سو تولید ملی ضربات شدیدی خورده و رشد آن مختل گردیده است و از سوی دیگر، سرمایه‌داری ملی (صنعتی و کشاورزی) بنا بر ملاحظات سیاسی و غیره، از جمله بی‌ثباتی در تصمیمات و برنامه‌ها، فاقد امکانات و تسهیلات لازم می‌باشد و بالاخره، درخواست برای کالاهای مصرفی رشد روزافزونی یافته است، سرمایه‌داری تجاری قدرت فراوانی به دست آورده است و چون حجم تولید ملی (عرضه) در برابر حجم نیازها (تقاضا)، ناچیز است سرمایه‌داری تجاری عمدتاً به دنبال وارد کردن کالاهای مصرفی از بازارهای خارجی است.

در حالی که سرمایه‌داری صنعتی و کشاورزی خصلت ملی دارد، یعنی در رقابت با سرمایه‌داری خارجی است و نمی‌خواهد که کالاهای مصرفی خارجی وارد بازار ایران شود. سرمایه‌داری تجاری که صرفاً به دنبال ورود کالا است، شریک، همراه و متحد سرمایه‌داری خارجی می‌باشد. به بیان دیگر، سرمایه‌داری صنعتی - کشاورزی ویژگی ملی دارد، اما سرمایه‌داری تجاری وابسته و به اصطلاح «کمپرادور» است.

علاوه بر این سرمایه‌داری ملی برای رشد خود نیاز به ثبات دراز مدت سیاسی، اقتصادی و مالی دارد. این نوع ثبات جز در سایه رشد آزادی‌های سیاسی و نهادی شدن حقوق و آزادی‌های اساسی ملت تأمین نمی‌گردد. اما سرمایه‌داری تجاری دارای چنین نیازی نیست. ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی و یا اقتصادی اثر چندانی بر فعالیت سرمایه‌داری تجاری ندارد. به دلیل درخواست فراوان بازار داخلی، کالاهای مصرفی وارداتی، فارغ از وضعیت سیاسی و اقتصادی، به سرعت و حتی قبل از تخلیه از کشتی به فروش می‌رسد. اگر سرمایه‌داری صنعتی و کشاورزی، یا به اصطلاح «سرمایه‌داری ملی»، به جامعه باز سیاسی و آرامش نیاز دارد، سرمایه‌داری تجاری طرفدار و خواهان جامعه بسته سیاسی و سرکوبی نیروهای ملی و آزاداندیش است. زیرا، اولویت‌ها، روش‌ها و عملکرد سرمایه‌داری تجاری با آرمان‌های انقلاب اسلامی، یعنی آزادی و استقلال، در تعارض و تناقض است. به همین دلیل است که سرمایه‌داری تجاری یا آنچه به نام خط راست معروف شده است، با قشری‌ترین و خشن‌ترین جناح‌ها همدست می‌باشد.

از زمان انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی که منجر به حاکمیت کامل خط راست گردید، این جریان، تحت پوشش «اقتصاد بازار»، به طرز وحشتناکی به وارد کردن کالاهای مصرفی پرداخته است. حاکمیت و نفوذ این خط در دولت نه تنها موجب شکست برنامه‌های توسعه اقتصادی شده، بلکه میلیاردها دلار بدهی خارجی برای ملت ایران به بار آورده است.

بنابراین، آقای بادامچیان واقعیت مطلب را بیان داشته‌اند: خط ایشان و گروهشان با خط نهضت آزادی

نمی‌خورد.

اما نه آقای بادامچیان و نه هیچ فرد دیگری حق ندارد که بر اساس تفاوت خط او با خط یک گروه سیاسی دیگر، فعالیت رقیب سیاسی خود را متوقف سازد. در حالی که قانون اساسی آزادی و امنیت تمام احزاب سیاسی را در چارچوب قانون تصریح کرده است، آقای بادامچیان با صراحت اعتراف کرده‌اند که با نهضت آزادی برخورد خطی و گروهی نموده‌اند و بر این پایه که خط ایشان با خط نهضت آزادی نمی‌خورد به نمایندگان نهضت آزادی گفته‌اند «ما اجازه نخواهیم داد».

اعتراض اصلی ما به سخنان آقای بادامچیان و تصمیم کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب در عدم صدور پروانه برای نهضت آزادی این است که آنان قانون اساسی و قانون احزاب را نادیده گرفته و برخوردهای کاملاً خطی و گروهی کرده‌اند.

۳- آقای بادامچیان مدعی شده‌اند که به نهضت آزادی ایران چنین گفته‌اند: «شما با نظام مملکت مخالفت کرده‌اید ولی نظام با شما مدارا می‌کند».

در این باره، چند نکته زیر قابل ذکر است:

اول اینکه نظر و قضاوت یک فرد ملاک نیست و حجیت قانونی ندارد. اگر کمیسیون ماده ۱۰ چنین نظری داشته است، می‌بایستی بر طبق قانون احزاب، ابتدائاً تذکر کتبی و سپس اخطار به نهضت آزادی می‌داده است، اما چنین نکرده است.

دوم اینکه نهضت آزادی ایران به کرات در نشریات خود تصریح کرده است که به اصالت انقلاب اسلامی بهمن ۵۷ و به آرمان‌های والای آن یعنی استقلال و آزادی عمیقاً معتقد است، به نظام جمهوری اسلامی وفادار و به قانون اساسی ملتزم است، اما با سیاست‌ها و عملکردهای حاکمیت کنونی، که طی ۱۷ سال اخیر قدرت انحصاری را در دست داشته است، مخالف می‌باشد. نهضت آزادی ایران معتقد است که بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، تشدید فقر و بی‌عدالتی و اختلاف طبقاتی، از هم‌گسیختگی مناسبات اجتماعی و نادیده گرفتن حقوق اساسی ملت محصول سیاست‌های نادرست و اعمال حاکمیت انحصاری می‌باشد. نهضت آزادی همچنین معتقد است که حاکمیت مساوی و معادل نظام نیست. بر طبق قانون اساسی، نظام یک مجموعه پایدار و مستمر است، در حالی که حاکمیت هر چهار سال یک بار، قابل تبدیل و یا تغییر می‌باشد. مخالفت با حاکمیت یا نقد عملکرد آن و تلاش برای تغییر یا تعدیل حاکمیت به معنای مخالفت با نظام نیست. این فقط ادعای کسانی است که از حاکمیت انحصاری کنونی بهره‌مندی‌های فراوان داشته‌اند و دارند.

سوم اینکه آقای بادامچیان در بیان اینکه «نظام با شما مدارا می‌کند»، باز هم حاکمیت را با نظام یکسان گرفته‌اند. شاید منظورشان این بوده است که حاکمیت با نهضت آزادی مدارا می‌کند. اما آیا واقعاً حاکمیت با نهضت آزادی مدارا کرده است یا می‌کند؟ آیا توقیف روزنامه میزان، جلوگیری از استفاده از ساختمان نهضت برای فعالیت‌های سیاسی، بازداشت‌های خودسرانه اعضا و حتی طرفداران نهضت آزادی، اخراج دانشجویان عضو یا طرفدار نهضت آزادی از دانشگاه، لغو پروانه کسب و یا تعطیل کسب اعضا و طرفداران نهضت آزادی یا اخراج آنها از ادارات دولتی و سایر تضيیقات و فشارها اینها علایم و نشانه‌های «مدارا» با نهضت آزادی است؟

ضمناً نهضت آزادی هرگز نیازی به مسامحه، مدارا، لطف و صدقه حاکمیت ندارد، بلکه تنها خواستار اجرای صحیح، صادقانه و کامل قانون اساسی و قانون احزاب در مورد همه گروه‌ها و شهروندان ایرانی از

جمله نهضت آزادی و اعضای آن است.

۴- آقای بادامچیان گفته‌اند: «آقای ابراهیم یزدی هر سال به آمریکا می‌رود، تدریس می‌کند، پول‌های خود را می‌گیرد و به ایران برمی‌گردد. ما با او مخالفیم.»

آقای بادامچیان روشن نکرده‌اند که به چه دلیل با آقای دکتر یزدی مخالفند. آقای دکتر یزدی از فعالان سیاسی با سابقه می‌باشند. اگر نه هزاران، دست کم صدها جوان و دانشجوی ایرانی که برای ادامه تحصیل به آمریکا رفته‌اند هویت ایرانی - اسلامی خود را مرهون زحمات شبانه‌روزی ایشان می‌دانند. در دوران استبداد سلطنتی، آقای دکتر یزدی به دلیل همین فعالیت‌ها در دادگاه‌های نظامی غیاباً محاکمه و محکوم شدند و دستور بازداشت ایشان به محض ورود به هر یک از مبادی مرزی ایران صادر شده بود. فعالیت ایشان در مراحل مختلف انقلاب اسلامی نیز، نیازی به توضیح ندارد. علاوه بر این، آقای دکتر یزدی از شخصیت‌های علمی شناخته شده در رشته تخصصی خودشان یعنی ژنتیک ملکولی می‌باشند و سال‌ها در زمینه سرطان‌شناسی ملکولی، در بزرگ‌ترین مراکز علمی جهان به پژوهش‌های بنیادی پرداخته‌اند و مقالات علمی متعددی از ایشان در مجلات معتبر علمی به چاپ رسیده است. کتاب‌های علمی آقای دکتر ابراهیم یزدی در رشته ژنتیک مولکولی که به فارسی نوشته شده است از بهترین و پیشرفته‌ترین کتاب‌ها در نوع خود می‌باشد و مورد استقبال گسترده هیات‌های علمی و دانشجویان قرار گرفته است. اگر ایشان، به قول آقای بادامچیان، می‌توانند در آمریکا تدریس کنند، چرا در دانشگاه‌های کشور خودمان حق تدریس ندارند؟ درست است که خط شما با خط نهضت آزادی نمی‌خورد و لذا شما با دکتر یزدی مخالفید، اما آیا ژنتیک ملکولی هم انواع لیبرالی و ناب محمدی دارد که اجازه تدریس آن را به ایشان نمی‌دهند؟!

۵- آقای بادامچیان در مورد رسیدگی دادگاه به شکایت نهضت آزادی از کمیسیون ماده ۱۰ مطالبی گفته‌اند که نادرست است.

بر خلاف ادعای آقای بادامچیان مبنی بر اینکه «دادگاه حرف آنان را نپذیرفت» دادگاه بعد از دریافت نظرات کمیسیون مذکور، رأی به عدم صلاحیت خود برای رسیدگی به شکایت نهضت آزادی داد و پرونده را به دیوان عدالت اداری فرستاد.

۶- آقای بادامچیان در مورد علل رد درخواست نهضت آزادی توسط کمیسیون ماده ۱۰ گفته‌اند: «خود شما پخش کنید، ما مخالفتی نداریم. ما آنچه نوشته‌ایم در دادگاه هست. وکیل هم خوانده است. خود شما همان را بین مردم پخش کنید.»

در حالی که بر طبق قانون احزاب، نماینده وزارت کشور در کمیسیون ماده ۱۰ دبیر کمیسیون و مسئول مکاتبات می‌باشد، آقای بادامچیان شرحی را تحت عنوان نظرات کمیسیون ماده ۱۰ به دادگاه فرستاده‌اند و وکیل نهضت آزادی هم آن را خوانده است. آن نوشتار حاوی اتهاماتی کاملاً بی‌اساس علیه نهضت آزادی است، اما چون در واقع لایحه دفاعیه کمیسیون ماده ۱۰ محسوب می‌شود، نهضت آزادی تنها هنگامی به آن جواب خواهد داد که در یک دادگاه علنی، با حضور هیأت منصفه و بر طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی مطرح گردد. اما اینکه آقای بادامچیان گفته‌اند که با پخش آن مخالفتی ندارند، درست بر خلاف بیانات دیگر ایشان است.

در کنفرانس مطبوعاتی اعضای کمیسیون ماده ۱۰، در ۱۷ مرداد ماه ۱۳۷۴، آقای اتابکی، نماینده دادستان در کمیسیون، اظهار داشته‌اند: «طبق قانون نمی‌توان مطالب مربوط به گروه‌ها را علنی کرد و این موارد تنها در اختیار محکمه قرار گرفته است.» (سلام ۷۴/۰۵/۱۸) علاوه بر این، آقای بادامچیان در

مصاحبه اختصاصی با روزنامه انگلیسی زبان صبح تهران، ایران نیوز، گفته‌اند که دلایل رد درخواست نهضت آزادی از اسرار طبقه‌بندی شده‌ای است که نمی‌توانند آن را افشا نمایند؟!

حال سوال این است که، نمایندگان قوه قضائیه یعنی دادستان کل در کمیسیون ماده ۱۰، بر طبق کدام قانون یا ضابطه مدعی شده‌اند که مدارک حاوی دلایل رد درخواست نهضت آزادی جزو اسرار طبقه‌بندی شده مملکتی است؟ و اگر واقعاً ضوابطی وجود دارد، چرا و چگونه ایشان آن ضوابط را زیر پا گذاشته و در مصاحبه‌های بعدی، علل رد درخواست نهضت آزادی را فاش کرده‌اند و اکنون نیز به نهضت آزادی می‌گویند: «خود شما پخش کنید، ما مخالفتی نداریم.»؟ این نوع اظهارنظرها و موضع‌گیری‌ها به وضوح نشان می‌دهد که در نظر این آقایان اصولاً ضوابط قانونی مطرح نیست بلکه برایشان تنها نظرات شخصی و گروهی مهم است.

نهضت آزادی ایران امیدوار است که روزنامه‌ها و نشریات دیگر، از جمله روزنامه اخبار، همان طور که دیدگاه‌ها و اظهارات آقای بادامچیان پیرامون نهضت آزادی را علی‌رغم عدم صدور پروانه برای نهضت آزادی به چاپ رسانیده‌اند، و نبود پروانه فعالیت نهضت مانع درج بیانات و اتهامات علیه آن نبوده است، جوابیه نهضت آزادی را نیز چاپ کنند و قضاوت را بر عهده خوانندگان خود بگذارند. خداوند همه ما را به راه راست، راه کسانی که به آنها نعمت داده است و نه راه مغضوبان و گمراهان، هدایت فرماید.

دفتر روابط عمومی

نهضت آزادی ایران